



بررسی تاثیر کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی مهارتی زنان مطالعه موردی: کارآموزان مرکز شماره سه خواهران شهر زاهدان

سپیده عبادی^۱

محمد جهانتیغی^۲

چکیده:

توانمندسازی فرآیندی است که طی آن فرد از نیازها و خواسته‌های درونی و قابلیت‌های خود آگاه می‌شود و با هدف رسیدن به خواسته‌ها، به کسب توانایی‌های لازم می‌پردازد. یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه هر کشور وضعیت اشتغال زنان و نوع مشارکت آنان می‌باشد. در کشور ما وجود زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و از نظر کسب تحصیلات عالی روندی صعودی را طی کرده‌اند ولی از نظر وضعیت اشتغال نتوانسته‌اند با وجود ظرفیت‌های شخصی، اجتماعی و قانونی به جایگاه متناسب دست‌یابند. همچنین باید به زنان به دید منابع انسانی بالقوه کشور نگریست و با جهت‌دهی و سرمایه‌گذاری برای اشتغال آنان علاوه بر سودبری از مشارکت آنان در توسعه اقتصادی، زمینه توسعه همه جانبه کشور را فراهم آورد. هدف کلی این پژوهش بررسی تاثیر کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی مهارتی زنان (کارآموزان مرکز شماره سه خواهران شهر زاهدان) طی بازه زمانی ۹۲-۹۴ می‌باشد. تحقیق حاضر از نوع توصیفی و کاربردی است و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بود که پس از طراحی، روایی آن براساس دیدگاه صاحب‌نظران و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰.۹۴٪ تعیین شده است. جامعه آماری تحقیق ۱۲۰ نفر از کارآموزان ۸ رشته آموزشی مرکز را شامل می‌شود. نمونه آماری براساس جدول مورگان ۸۸ نفر تعیین گردید. پرسش‌نامه‌های دوگانه‌ای شامل ۱۵ سوال برای سنجش توانمندی و پرسشنامه دوم با ۱۸ سوال برای سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان تهیه، تکمیل و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج حاصله حاکی از آن است که دوره‌های آموزشی در تمامی نشانگرهای توانمندی در حد متوسطی نقش داشته‌اند و تحلیل عاملی نیز برای ویژگی‌های دوره‌های آموزشی مهارتی مرکز خواهران شامل سه عامل: اثرات روانی، اثرات شغلی و مهارتی، شایستگی و خودباوری با واریانس ۷۳.۰۶ معرفی نمود. براساس نتایج رگرسیون گام به گام ۶ متغیر مستقل به مدل وارد شده که شامل افزایش قدرت توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش قدرت دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، افزایش قدرت توان انجام کار با تدبیر و روش‌های مناسب تر، افزایش انگیزه جهت شرکت موثر در دوره، افزایش قدرت توان علمی مطلوب، افزایش قدرت اتکا به خود، بوده و توانسته است ۹۴/۲ درصد تغییرات توانمندی مهارتی کارآموزان زن مرکز خواهران شهر زاهدان را تبیین نمایند.

واژگان کلیدی: توانمندسازی مهارتی زنان، کیفیت، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مرکز خواهران زاهدان

^۱ کارشناس ارشد مهندسی صنایع-صنایع، اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان سیستان و بلوچستان، Sepi.ebadi@gmail.com, ۰۹۱۲۸۱۹۸۶۴۶

^۲ مدیر کل، اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان سیستان و بلوچستان، ۰۹۱۲۳۱۹۶۱۸۹



The Effect of Technical Training on the Women's Skill Empowerment (Case Study: Zahedan Female Center No. ۳)

Sepideh Ebadi
Mohammad Jahantiqi

Abstract:

Empowerment is a process that in which we can be aware of needs, internal willing, and our potentials that we achieve the necessary capabilities to achieve the goals. One of the important indicators to measure the development of every country, the occupation status of women, and the type of their collaboration. In our country, women are composed of half of the population and they are progressing in terms of education level, however, they couldn't achieve the appropriate place despite the personal, social, and legal capabilities. Also, women should be considered as the human resources to provide the profit in the economic development by their collaboration and financing in their occupation. The main aim of this article is to study the effect of quality of technical trainings on the skillful empowerment (women apprentices of center No. ۳ in Zahedan) in ۲۰۱۵-۲۰۱۶. This is a descriptive-applied study, and the questionnaire was used to collect the data that its validity was evaluated by the experts; and its reliability was evaluated by Cronbach's Alpha ۹۴٪. The statistical population includes ۱۲۰ apprentices in seven fields. The sample was determined by Morgan Table the equaled ۸۸ people. The twofold questionnaire includes ۱۰ questions to evaluate the empowerment, and the second questionnaire includes ۱۸ questions to evaluate the occupational characteristics of the apprentices, these questionnaires were analyzed after being distributed. The results indicate that the courses had moderate role in all empowerment indicators and confirmatory analysis determined the characteristics of courses including psychological effects, occupational effects, competence, and self-belief with the variance of ۷۳.۰۶. According to the regression, the six independent variable such as increasing capability to improve, knowledge improvement, and increasing ability to work were entered to the model by suitable methods to motivate the apprentices to participate the courses. Increasing the knowledge and self-belief could change the skill ability of the women's apprentices in a center in Zahedan.

Keywords: Women's empowerment, quality, technical training, Zahedan female center



مقدمه:

از منابع حیاتی توسعه می‌توان به آموزش اشاره نمود که به جهت توانمندسازی انسان‌ها باید در دسترس آنها قرار گیرد. در عصر حاضر، جوامع برای ورود به چالش‌های آینده از موثرترین ابزار خود که همان آموزش است استفاده می‌کنند و اصولاً آموزش برای تمامی آن‌ها پذیرفته شده است که در پرتو آن، دنیای فردا شکل خواهد گرفت.

آموزش را می‌توان محرکی سازنده برای تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانست. آموزش از طریق افزایش بهره‌وری، سبب ساز حرکت شغلی و استفاده بیشتر از قابلیت‌های افراد می‌گردد که از مجرای تاثیر بر بازار کار، تغییر و تحول اقتصادی جوامع را موجب می‌شود (شلمانی و همکار، ۱۳۹۲). آموزش یکی از زمینه‌های زیربنایی تقویت آگاهی افراد و از منابع حیاتی توسعه بوده که باعث می‌شود افق‌های جدید و نویی فراروی انسان‌ها قرار بگیرد. یکی از ابعاد مهم و اساسی آموزش آن است که دامنه فراخی از انتخاب و اختیار را روی آدمی می‌گشاید و آنان را در انتخاب، توانا می‌سازد (زمانی زوز و همکار، ۱۳۹۲).

آموزش‌های مهارتی، مهم‌ترین عامل موثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار افراد جامعه است که در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تامین فرصت‌های شغلی و افزایش تولید جامعه به کار گرفته می‌شود، از این رو، در جوامع منزلتی یگانه یافته است (نظرزاده، ۱۳۸۷). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها می‌باشند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌کنند. از سوی دیگر این آموزش‌ها با توأم کردن آموزش‌های عملی و نظری این امکان را برای آموزش دیده فراهم می‌کنند که همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته و از این طریق امکان بیشتری برای جذب آنها در فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی فراهم شود (افروزمنش و همکار، ۱۳۹۳). در همه کشورهای دنیا آموزش فنی و حرفه‌ای وجود دارد، اما در بازار کار ایران به علت پایین بودن نهاده‌های تولید، کارگر ساده بیشتر به چشم می‌خورد تا کارگر فنی. لذا آموزش فنی و حرفه‌ای از جایگاه اساسی برخوردار بوده تا بتواند از نهاده‌های تولید به نحو مطلوب استفاده نماید. رشد روزافزون تکنولوژی و تحولات بازار کار می‌طلبد که به این آموزش‌ها به شکل جدی‌تر توجه شود. از دیدگاه مسئولان کشور و نیازهای آموزش فنی و حرفه‌ای، این نوع آموزش بایستی به اصول خاص توجه نماید. یکی اینکه این آموزش‌ها باید نیاز روز بازار کار باشد. دیگر اینکه، توجه به تغییر و تحول در فرهنگ مناطق نماید. همچنین، از نیروهای خلاق منطقه استفاده نموده و نیازسنجی در زمینه مشاغل حرفه‌ای انجام شود (حق شناس و همکار، ۱۳۹۲). بر کسی پوشیده نیست که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه و ابزارهای مهم تحقق برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور قابل اهمیت است. تامین نیروی متخصص و ماهر برای اجرای هر برنامه ضرورتی انکار ناپذیر است که بدون توجه به آن سرمایه‌گذاری‌های مادی و انسانی به هدر خواهد رفت. یکی از ارکان اساسی و موثر در توسعه اقتصادی و اجتماعی، توسعه منابع انسانی است و برای توسعه انسانی طبیعتاً وجود نیروهای متخصص از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی که تخصص لازم را به دست می‌آورد، ضروری می‌باشد (حق شناس و همکار، ۱۳۹۲).

حضور فعال زنان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند باعث توسعه و رشد اقتصادی و فرهنگی در جامعه گردد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از شیوه‌های موثر دسترسی برابر زنان براساس جنسیت است.

نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند، بنا بر سرشماری سال ۹۰ میزان جمعیت زنان ایران، تعداد ۳۶۴۷۰۳۰۳ نفر بوده که می‌توان به این افراد به دید منابع انسانی بالقوه کشور نگریست و با جهت‌دهی و سرمایه‌گذاری برای اشتغال آنان علاوه بر سودبری از مشارکت آنان در توسعه اقتصادی، زمینه توسعه همه جانبه کشور را فراهم آورد (فرشاد و همکار، ۱۳۹۲).



برنامه‌های ارائه آموزش‌های مورد نیاز جامعه و متقاضیان علاوه بر اینکه زمینه ساز اشتغال و حضور موثر نیروی کار و آموزش دیدگان در عرصه تولید و خدمات بوده و موجب ارتقای توانمندی‌های شاغلین نیز می‌شود، این موضوعات به نوبه خود اساس بازتاب در ماموریت‌های آینده، با توجه به نقش و عملکرد خاص، مسئولیت‌ها و فعالیت‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و با در نظر گرفتن دیگر نهادهای مهارتی است (فلاح و همکار، ۱۳۹۲).

بیان مساله:

در حال حاضر آموزش نیروی انسانی ماهر و کارآمد در تحولات و پیشرفت‌های اقتصادی بویژه در کشورهای در حال توسعه نقش مهمی دارد.

امروزه زنان حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. با این وجود، تنها تعداد کمی از آنها شاغل بوده و به کسب درآمد می‌پردازند. آمارها نشان می‌دهد که اغلب زنان به کار خانگی اشتغال دارند و یا اینکه اگر کار می‌کنند، بیشتر در مشاغل مشغول کار هستند که درآمد چندانی برای آنها ندارد. این امر می‌تواند یک تهدید یا یک فرصت خوب برای پیشرفت باشد. تهدید از این جهت که اگر همچنان این جمعیت بیکار بماند، اقتصاد کشور دچار مشکلات زیادی خواهد شد. فرصت از این بابت که اگر کشور از این نیروی عظیم کاری بهره گیرد، به رشد اقتصادی بسیار بالایی خواهد رسید (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۲).

امروزه اشتغال یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. با اینکه ضرورت و الزام اقتصادی اشتغال و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی همواره در تاریخ پیشرفت و توسعه جوامع مطرح بوده است، اما هنوز در این زمینه وضعیت مطلوبی برای زنان ایجاد نشده است. یکی از دلایل آن توجه اندک به آموزش زنان و عدم بسترسازی مناسب برای ایجاد فرصت‌های اشتغال آنان است. این محرومیت، جایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان را در فرآیند توسعه پایدار به شدت تنزل بخشیده است (پاپ زن و همکاران، ۱۳۹۰). شرط لازم برای موفقیت و دستیابی به اهداف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تنها در گرو استفاده صحیح و بهینه از منابع انسانی و قدرت تفکر آنان بوده و یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه هر کشور وضعیت اشتغال زنان و نوع مشارکت آنان می‌باشد، زنان بزرگترین ذخایری هستند که هنوز از وجودشان استفاده بهینه به عمل نیامده است (فرشاد و همکار، ۱۳۹۲).

با همه این تفاسیر اهمیت توانمندسازی مهارتی زنان در همه جوامع مشخص می‌گردد. آن‌ها نقش بسیار حساس و تعیین کننده‌ای در فعالیت‌های اجتماعی دارند.

فرضیه تحقیق:

سوال اصلی پژوهش: کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بر توانمندسازی مهارتی زنان مرکز شماره سه خواهران زاهدان موثر است؟

پیشینه تحقیق:

خلوتی (۱۳۸۵)، در تحقیقی به بررسی میزان توانمندی زنان خانه‌دار و عوامل موثر بر آن در شهرستان شیراز پرداخته و نتایج تحقیق وی نشان داد که میزان توانمندی زنان خانه‌دار پایین است. آزمون فرضیات بیانگر این بود که بین سرمایه روانی، دسترسی، مشارکت و کنترل در حوزه دولت و جامعه که از متغیرهای این تحقیق بودند، با میزان توانمندسازی زنان خانه‌دار بیشترین همبستگی وجود دارد. ($p < 0.01$) نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره تحقیق وی نیز نشان داد که براساس ضریب تبیین تعدیل شده ۸۸٪ تغییرات متغیر وابسته یعنی میزان توانمندی زنان خانه‌دار به وسیله هشت متغیر وارد



شده در معادله تبیین می‌شود. در واقع وی نشان داد که عواملی نظیر عزت نفس، خودکارآمدی، توانایی بیان آرزوها، علایق و جامعه عمل پوشاندن به آنها حتی زمانی که عرف و جامعه آنها را نمی‌پذیرد و به چالش طلبیدن شرایط موجود، آگاهی از عوامل ناتوانی و مقابله با آنها به صورت گروهی، توانایی تصمیم‌گیری در حوزه‌های مهم و استراتژیک زندگی، دسترسی به منابع مالی، مشارکت در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی، تعیین‌کننده‌های اصلی میزان توانمندی زنان خانه‌دار در ایران هستند.

پاپ زن و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان "ارزشیابی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی" به این نتیجه رسیدند که تفاوتی معنادار بین مهارت پیشین و کنونی پاسخ‌گویان در زمینه صنایع دستی پس از شرکت در برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای به دست آمد. بررسی تفاوت در تغییر دانش زنان روستایی بر حسب سطح تحصیلات، حاکی از آن بود که اختلافی معنادار بین تغییر دانش زنان روستایی در سطوح گوناگون تحصیلی وجود دارد. رهنود و همکاران (۱۳۸۷)، عوامل موثر بر توانمندسازی زنان را در شرکت مخابرات ایران مورد تحلیل و بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آنان نشانگر آن است که سطح توانمندی کارکنان زن در حد متوسط است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی نیز معرف عوامل تاثیرگذار است: ۱. نگرش مدیریت؛ ۲. ساختار گروهی؛ ۳. ارزش‌های بین گروهی؛ ۴. روابط اطلاعاتی. مدل تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که از عوامل فوق سه متغیر نخست در مدل وارد شده و مجموعاً ۶۳ درصد از تغییرپذیری در سطح توانمندی کارکنان زن را تبیین می‌کنند. شکوری (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان به بررسی ابعاد برنامه‌های حمایتی کمیته امداد امام خمینی (ره) در توانمندسازی زنان پرداخت. نتایج تحقیقات نشان داد که خدمات ارائه شده در قالب برنامه‌های مذکور نقش قابل توجهی در بالا بردن خود اتکایی و توانمندسازی زنان جامعه نمونه نداشته و فقط محدود به توانمندی آن دسته معدود از زنانی بوه که از خدمات خاصی مانند وام خوداشتغالی و خدمات آموزش (مهارتی) استفاده نموده‌اند و زمینه‌های مساعدتری داشته‌اند. قلی‌پور و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران پرداخت. در این تحقیق تلاش شد نقش تحصیلات و اشتغال در توانمندسازی زنان تهران بررسی و مقایسه شود که آیا آنچه در کشورهای غربی به اثبات رسیده با توجه به فرهنگ و پیشینه ما مصداق دارد یا خیر؟ داده‌های تحقیق نشان داد که تحصیلات رسمی اثر معناداری روی توانمندسازی زنان شهر تهران دارد. $(p < 0.01, t = 3.27, 0.18)$ هر چند انتظار محققین این بود که ضریب تحصیلات از درآمد بالا باشد ولی به دلیل نرخ بالای بیکاری در کشور و انتظار پایین در یافتن شغل برای زنان در ایران موجب شده است که ضریب تحصیلات نسبت به اشتغال در مدل آن پایین باشد. منفرد (۱۳۸۷) نقش آموزش‌های علمی و کاربردی در توانمندسازی فارغ‌التحصیلان کارآفرین را بررسی نمود. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که آموزش‌های علمی کاربردی می‌تواند در گسترش کارآفرینی مورد استفاده قرار گیرد. یافته‌ها بیانگر این است که آموزش‌های علمی کاربردی با تاثیر بر ۳۳ مورد از ویژگی‌های شخصی و فردی و شغلی دانشجویان زن، در توانمندی آنها موثر بوده و آنها را برای کارآفرینی آماده می‌کند.

شکوری و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان "مولفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل موثر بر آنها" به این نتیجه رسیدند که تنها ۴۰ درصد دارای مهارت حرفه‌ای و ۶۰ درصد فاقد مهارت بودند. بررسی تفصیلی نشان داد که از بین افرادی که مهارت حرفه‌ای داشته‌اند، ۱۲.۴ درصد خیاطی، ۱۱.۵ درصد آرایشگری، ۴.۴ درصد قالی بافی، ۲.۲ درصد مهارت‌های رایانه‌ای و ۵.۳ درصد از سایر مهارت‌ها برخوردار بوده‌اند. تنها ۲۶ درصد افراد دارای مهارت می‌باشند و می‌توانند از طریق آن کسب درآمد نمایند. جعفری مهتاش (۱۳۸۵)، در پژوهش خود به این حقیقت رسید که، وام‌های خوداشتغالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌تواند منجر به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از نظر اقتصادی و روانی شود. از جمله ویژگی‌های فردی که بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بیشترین تاثیر را داشته است، تحصیلات، مهارت‌ها و وضعیت اشتغال زنان بوده است. به این معنی که آن دسته از زنان که دارای تحصیلات بالاتر و یا صاحب مهارت بودند، به لحاظ اینکه با استفاده از قابلیت‌های خود قادر به کار کردن بودند، توانمندتر از سایر زنان بودند. آموزش و آگاه‌سازی باعث افزایش میزان عزت‌نفس زنان سرپرست خانوار می‌شود و مشاوره، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کارهای هنری و کارآفرینی به توانمندی زنان سرپرست خانوار



کمک می‌کند. قلی پور و رحیمیان (۱۳۸۸)، یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که آموزش مهارتی و طرح‌های خوداشتغالی موجب بروز احساس توانمندی در زنان سرپرست خانوار می‌شود. زنان سرپرست خانوار به دلیل داشتن نقش‌های متعدد فرصت آموزش ندارند و معمولاً در مقایسه با دیگر زنان از تحصیلات کمتری برخوردارند. از این‌رو، آموزش تاثیر مثبتی بر خانواده آنها دارد. همچنین اغلب، بزرگ‌ترین مشکل زنان سرپرست خانوار مشکل اقتصادی است و هر اقدامی برای کاهش این مشکل مفید خواهد بود.

قلی پور و رحیمیان (۱۳۸۸)، زنان به دلیل مسائل مالی به دنیا شغل هستند، اما با توجه به پایین بودن سطح سواد، شغل مناسبی نخواهند یافت. لذا، مهارت‌آموزی از اقداماتی است که می‌تواند آمادگی آنان را برای اشتغال فراهم نماید. اما علتی که مهارت‌آموزی به عنوان یکی از ابزارهای توانمندسازی در این تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت، از نظر محققین آن است که زنان سرپرست خانوار اغلب عنوان می‌کردند از مهارتی که آموخته بودند به دلیل نداشتن سرمایه اولیه نتوانسته بودند استفاده کنند. البته در برخی سازمان‌ها به افرادی که دارای مدرک فنی و حرفه‌ای بودند وام خوداشتغالی داده می‌شد، ولی زنان سرپرست خانوار مطرح می‌نمودند که وام مذکور برای ایجاد اشتغال شخصی کفایت نمی‌کند. از این‌رو، مهارت آموخته شده، از نظر آنها بدون استفاده باقی می‌ماند.

روش شناسی:

پژوهش پیش رو از نوع پژوهش‌های توصیفی- کاربردی است. جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق کلیه کارآموزان مرکز شماره سه خاوران شهر زاهدان به تعداد ۱۲۰ نفر طی بازه زمانی ۹۲-۹۴ می‌باشند. از میان آن‌ها براساس جدول مورگان تعداد نمونه متناسب با جامعه به تعداد ۸۸ نفر تعیین گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات در این تحقیق پرسش‌نامه می‌باشد. پرسش‌نامه اول مبتنی بر ۱۵ سوال برای سنجش توانمندی و پرسش‌نامه دوم با ۱۸ سوال برای سنجش ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن طراحی گردید. این گویه‌ها در قالب پرسش‌نامه سازماندهی و برای سنجش دیدگاه‌ها از طیف لیکرت و درجات خیلی کم تا خیلی زیاد بهره‌گیری شد. پرسش‌نامه‌ها برای افراد نمونه ارسال گردید تا مولفه‌های توانمندی و عوامل موثر بر آن سنجیده شود. برای تعیین روایی و اعتبار پرسش‌نامه‌ها از روایی محتوایی و ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. میزان آلفای بدست آمده ۰.۹۴٪ است که از حد بالای برخوردار است. افراد نمونه از طریق نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک و بر مبنای دفاتر حضور و غیاب انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها پس از تکمیل، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار Spss و Excel صورت گرفت. متغیرهای مستقل تحقیق در مجموع ۱۸ گویه را به خود اختصاص دادند. متغیر وابسته تحقیق نیز توانمندی است که توسط ۱۵ گویه با بهره‌گیری از نتایج تحقیقات معتبر علمی مورد سنجش قرار گرفته است. بنا به ضرورت از شیوه‌های آمار توصیفی از قبیل فراوانی، فراوانی تجمعی و نسبی، میانگین، واریانس، انحراف معیار و ... استفاده شد. همچنین، در بخش آمار استنباطی جهت آزمون فرض‌ها از روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی نظیر آزمون همبستگی (ضریب همبستگی پیرسون)، رگرسیون گام به گام و تحلیل عامل‌ها استفاده و داده‌ها از طریق نرم افزار SAS و PATH تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها:

الف) آمار توصیفی

مشخصات پاسخگویان: از نظر وضعیت تاهل ۷۰.۴۳ درصد پاسخگویان مجرد و ۲۹.۵۷ درصد آنها متاهل بودند. از نظر مدرک تحصیلی بیشترین پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی لیسانس، و کمترین تعداد دارای مدرک تحصیلی زیر دیپلم می‌باشند. از نظر سن بیشتر پاسخگویان در رده سنی بین ۲۱ تا ۲۵ سال قرار دارند. (جدول ۱)



جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ دهندگان

درصد	فراوانی	وضعیت پاسخ دهندگان
۴.۵	۴	زیر دیپلم
۱۱.۳	۱۰	دیپلم
۲۵.۹	۲۲	فوق دیپلم
۵۸.۳	۵۰	لیسانس
۲۲.۶	۲۰	سال ۱۵-۲۰
۳۸.۳	۳۴	سال ۲۱-۲۵
۲۱.۶	۱۸	سال ۲۶-۳۰
۱۲.۶	۱۰	سال ۳۱-۳۵
۴.۹	۴	سال ۳۶-۴۰
۱۴	۱۲	میوه آرا
۱۱.۲	۱۰	تاج و دسته گل عروس
۸.۶	۶	دوزنده کیف چرم
۸.۷	۸	حسابداری
۱۷.۸	۱۶	تری دی مکس
۱۳.۶	۱۲	چادر و مقتعه دوز
۱۱.۸	۱۰	مانتودوز
۱۴.۳	۱۲	عکاسی و فیلم برداری

می‌توان گفت توانمندی زمانی حاصل می‌شود که مهارت آموز قدرت و توان لازم برای انجام یک شغل یا حرفه جدید را کسب نماید. فرض تحقیق این است که آموزش‌های مهارتی زنان در مرکز خواهران زاهدان می‌تواند در توانمندی زنان موثر باشد. در این تحقیق تاثیر آموزش‌های مهارتی در توانمندی زنان از طریق ۱۵ نشانگر مورد بررسی قرار گرفته است. نشانگرهایی که میانگین رتبه‌ای بیشتری دارند، بیشترین تاثیر را از آموزش‌ها پذیرفته‌اند که شامل: ۱. افزایش روحیه و نشاط و شادابی ۲. افزایش روحیه کارگروهی ۳. افزایش روحیه موفقیت‌طلبی ۴. افزایش قدرت تعامل با دیگران. مطالب فوق مبین آن است که کارآموزان، توانمندی، در سطح متوسط به بالا را از طریق این آموزش‌ها کسب کرده‌اند و توانسته‌اند نتیجه آن را در نگرش، رفتار و عمل خویش نشان دهند. اما متغیرهایی مانند: ۱. افزایش روحیه پویایی و رهبری، ۲. افزایش واکنش در برابر پیشنهادات، ۳. افزایش توانایی به کارگیری ریسک‌های حساب شده، میانگین رتبه‌ای کمتری را کسب کرده‌اند و در الویت‌های پایین‌تری قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده تاثیر کمتر آموزش‌های مهارتی مرکز خواهران در این خصوص می‌باشد. محتوی آموزشی باید تا حد ممکن بر مبنای نیازهای یادگیرنده باشد و با واقعیت‌های محیط زندگی و کاری فراگیر ارتباط داشته باشد. نظام آموزشی باید این تجارب را با رشته علمی مرتبط نموده و زمینه استفاده از قوانین و حقایق علمی را در زندگی فراهم آورد. توجه به تغییرات اجتماعی و بازار کار، در تعیین محتوای آموزشی باید مورد توجه برنامه‌ریزان آموزش‌های مهارتی قرار گیرد. دیدگاه پاسخ دهندگان نسبت به ویژگی‌های شغلی و مهارتی کارآموزان زن در حد متوسط تا زیاد بود و گویه‌های ۱. افزایش دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، ۲. افزایش انگیزه در جهت شرکت موثر در کلاس، ۳. افزایش رغبت به کار گروهی، ۴. احساس توانایی، ۵. افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر و ۶. افزایش قدرت اتکاء به خود، با میانگین بالاتر از ۳.۵ رتبه‌های اول تا ششم را به خود اختصاص داده و کمترین میانگین رتبه‌ای نیز به توان ایجاد شغل و



توان ایجاد کارگاه خوداشتغالی اختصاص داشت که بایستی برنامه‌ریزان آموزش‌ها در تدوین محتوی آموزش‌های مهارتی به این موارد توجه ویژه داشته باشند.

ب) آمار تحلیلی

۱. تحلیل عاملی آموزش‌های مهارتی زنان: در این تحقیق برای تعیین مقیاس‌های مرتبط با آموزش‌های مهارتی زنان از تحلیل عاملی برای ۱۸ متغیر که ویژگی‌های این آموزش‌ها را تعیین نموده‌اند، بهره‌گیری شد تا مشاهده گردد که آنها را در چند عامل می‌توان خلاصه نمود. در این خصوص، تحلیل عاملی صورت گرفت و در ابتدا میزان KMO محاسبه گردید که معادل ۰.۸۶۲ بوده و حکایت از کفایت حجم نمونه داشته و ضریب بارلت معادل ۱۶۳۶.۲۱ و سطح معنی‌داری آن نیز معادل ۰.۰۰۰ برآورد شد که نشان‌دهنده تاثیر انجام تحلیل عاملی تحقیق می‌باشد. در مرحله بعد تحلیل واریانس و رگرسیونی هر کدام از عوامل مشخص گردید، که به شرح جدول (۲) می‌باشد.

جدول ۲. عوامل تعیین شده در درصد واریانس تبیین شده

عوامل	درصد تبیین واریانس هر عامل	درصد تبیین واریانس جمعی
۱	۲۴.۹۲	۲۴.۹۲
۲	۲۵.۵۸	۵۰.۵
۳	۲۲.۵۶	۷۳.۰۶

ملاحظه می‌گردد که برای این نشانگرهای ۱۸ گانه، در مجموع سه عامل شناسایی شده‌اند که ۷۳.۰۶ درصد واریانس را تبیین نموده‌اند. سپس سهم هر متغیری در عامل بدست آمد، که در تعیین نام عامل یا بار عاملی می‌تواند نقش داشته باشد. هر چند تبیین ۷۳ درصد از تغییرپذیری در سطح توانمندی مهارتی کارآموزان زن مرکز خواهران زاهدان توسط سه عامل احصاء شده (اثرات روانی، اثرات شغلی و مهارتی، شایستگی و خودباوری) نشانگر اهمیت هر یک از آنهاست، اما نباید این موضوع را نادیده گرفت که واریانس جمعی ۷۳.۰۶ نشانگر وجود عامل تاثیرگذار دیگری است که در اینجا مدنظر قرار نگرفته است.

۲. رگرسیون گام به گام: متغیر وابسته توانمندی کارآموزان زن و متغیرهای مستقل، عوامل مرتبط با آموزش‌های مهارتی می‌باشند. برای تعیین اثرات متغیرهای مستقل بر وابسته، از رگرسیون گام به گام استفاده شده است. در این روش، قوی‌ترین متغیرها یک به یک وارد معادله می‌شوند تا هنگامیکه خطای آزمون معنی‌داری به ۵٪ برسد. ۶ متغیر مستقل به مدل وارد شد که شامل افزایش قدرت توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش قدرت دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، افزایش قدرت توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر، افزایش انگیزه در جهت شرکت موثر در کلاس و افزایش قدرت توان علمی مطلوب و افزایش قدرت اتکاء به خود می‌باشند. براساس گام‌های طی شده رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته در هر گام توسط ضریب همبستگی چندگانه مشخص گردید. همچنین، ضریب تعیین (مجذور ضریب همبستگی چندگانه) که نشان‌دهنده توان تبیین تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمد. به دلیل اینکه ضریب تعیین تعدیل شده به درجه آزادی وابسته است و نسبت به ضریب تعیین دقیق‌تر است. آنالیز واریانس نیز نشان‌دهنده معنی‌دار بودن رگرسیون تا گام ششم می‌باشد.



در آخرین مرحله از اجرای رگرسین گام به گام متغیرها، ضرایب استاندارد و غیر استاندارد، انحراف معیار، T استیودنت و معنی‌داری آنها محاسبه گردید. مشاهده شد که تمامی متغیرهای وارد شده به مدل در هر مرحله، با معنی‌داری بالایی به تحلیل وارد شده‌اند و تا گام ششم با معنی‌داری در سطح یک درصد وارد مدل شده‌اند.

نتیجه گیری و بحث:

براساس نتایج بدست آمده از پرسشنامه‌ها، مشخص گردید که آموزش‌های مهارتی ارائه شده در مرکز خواهان در توانمندی مهارتی بانوان شرکت کننده در این دوره‌ها تاثیر داشته و توانسته است توانمندی آنان را از جنبه‌های مختلف؛ افزایش قدرت توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش قدرت دانش و آگاهی در رابطه با رشته آموزشی، افزایش قدرت توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر، افزایش انگیزه در جهت شرکت موثر در کلاس، افزایش قدرت توان علمی مطلوب و افزایش قدرت اتکاء به خود را افزایش دهد. این پژوهش با یافته‌های قدسیان (۱۳۹۳)، یعقوبی ساردو (۱۳۹۴)، قلی‌پور (۱۳۸۷)، شکوری (۱۳۸۷) و رهنود (۱۳۸۷) نیز هم‌سویی دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، سطح دانش مهارتی پاسخ‌دهندگان در زمینه‌های مهارتی پس از شرکت در برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای، در تمامی زمینه‌ها افزایش یافته است. بنابراین دستیابی به هدف افزایش تغییر دانش مشارکت‌کنندگان که جزو اهداف آموزش‌ها می‌باشد، تحقق یافته است. براساس میانگین‌های رتبه‌ای عوامل موثر در سنجش توانمندی مهارتی کارآموزان زن که عوامل را از قوی به ضعیف رتبه‌بندی نموده است، می‌توان اثر آموزش‌های مهارتی را بر هر نشانگر به طور مجزا مشخص نمود. مدیران و برنامه ریزان آموزشی بایستی توجه خود را به نشانگرهای ضعیف بیشتر معطوف نمایند.

پیشنهادات:

- محتوی آموزشی دوره‌ها متناسب با نیازهای آموزشی مورد بازبینی و ویرایش قرار گیرد و در تدوین محتوی و استانداردها به جدیدترین روش‌های تدریس، ابزارها و تجهیزات نوین و نوآوری‌ها جهت ایجاد بستر اشتغال، توجه ویژه گردد.
- ضمن آموزش مهارت‌های حرفه‌ای و شغلی جهت اشتغال زنان، با تقویت مهارت‌ها و قابلیت‌های فردی و با تامین منابع مالی در جهت تشویق آنان به فعالیت‌های کارآفرینی گام برداشته شود.
- پژوهش‌های مشابهی در استان‌های دیگر و یا به صورت منطقه‌ای در جهت شناخت بهتر نظر شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها به انجام برسد.

منابع:

- افروزشمنش، ا؛ و شمسائی، ح. ر. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای خراسان رضوی بر اشتغال مهارت‌آموختگان. فصل‌نامه مهارت‌آموزی، سال سوم، شماره نهم، صفحه ۵۵ تا ۶۵.
- پاپ‌زن، ع؛ خالدی، خ؛ و سلیمانی، ع. (۱۳۹۰). ارزشیابی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان روستائی در زمینه صنایع دستی. فصل‌نامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره سوم، صفحه ۲۱ تا ۳۷.
- جعفری مه‌تاش، م. (۱۳۸۵). بررسی و شناخت تاثیر خدمات کمیته امداد امام خمینی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با عنوان پایان‌نامه ارشد منتشر نشد.
- حق‌شناس، ج؛ کارزونی، ع. (۱۳۹۲). بررسی و ارزیابی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه و تثبیت اشتغال زنان در شهرستان خرم‌بید. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، جلد اول، صفحه ۳۲۷ تا ۳۳۳.



- خلوتی، م. (۱۳۸۸). بررسی میزان توانمندی زنان خانه‌دار و عوامل موثر بر آن در شهرستان شیراز ۱۳۸۶. فصل‌نامه پژوهشی-اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم. صفحه ۱۵۳ تا ۱۷۱.
- روستائی شلمانی، خ؛ و میلا علمی، ز. (۱۳۹۲). آموزش و نرخ مشارکت زنان کشورهای حوزه منا (به تفکیک گروه سنی). سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، جلد اول، صفحه ۳۰ تا ۴۶.
- رهنود، ف؛ و حسینی، ن. (۱۳۸۷). عوامل موثر بر توانمندی زنان. پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، صفحه ۱۰۵ تا ۱۱۸.
- زمانی زنوز، ز؛ و زمانی زنوز، ف. (۱۳۹۲). آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی رهیافتی بر اشتغال زنان. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، جلد اول، صفحه ۴۷ تا ۵۷.
- شکوری، ع؛ رفعت‌جاه، م؛ و جعفری، م. (۱۳۶۶). مولفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل موثر بر آن‌ها، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، صفحه ۱ تا ۲۶.
- شکوری، علی. (۱۳۸۷). سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۱، صفحه ۱۲۹ تا ۱۵۹.
- عزیزی، ح؛ عزیزی، ف؛ و خلیل بیگی، ک. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی نقش رسانه‌ها در اشتغال زنان. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، جلد اول، صفحه ۲۱ تا ۲۹.
- فرشاد، ع؛ و نیک‌روی، ز. (۱۳۹۲). بررسی میزان تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال زنان استان مازندران در سال ۱۳۹۰. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، جلد اول، صفحه ۳۱۹ تا ۳۲۶.
- فلاح، ح؛ و دوران، ر. (۱۳۹۲). آموزش فنی و حرفه‌ای، نقش‌ها، وظایف، نیازها (با نگاهی به آینده). سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، جلد دوم، صفحه ۷۷ تا ۸۹.
- قدسیان، ح؛ ملامحمدی، م؛ و شاه‌حسینی، ز. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی زنان. فصل‌نامه مهارت‌آموزی، صفحه ۱۹ تا ۳۲.
- قلی پورر آ؛ و رحیمیان، ا. (۱۳۸۸). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. فصل‌نامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۴۰، صفحه ۲۹ تا ۶۲.
- قلی پور، آ؛ رحیمیان، ا؛ و میرزمانی، ا. (۱۳۸۷). نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۳، صفحه ۱۱۳ تا ۱۳۲.
- منفرد، ن. (۱۳۸۷). بررسی نقش آموزش‌های علمی کاربردی در توانمندسازی فارغ‌التحصیلان کارآفرین، مطالعه موردی: مرکز آموزش علمی کاربردی علوم و صنایع شیلاتی خلیج فارس بوشهر، هفته نامه جامع دانشگاه جامع علمی کاربردی، شماره ۳۱۷ و ۳۱۸.
- نظرزاده، م. (۱۳۸۷). آموزش و توسعه پایدار. مجله ارتباط علمی، دوره دهم شماره اول.
- یعقوبی ساردو، ر؛ شریفی، س؛ و ذاکری نسب، ف. (۱۳۹۴). تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) مطالعه موردی: جنوب استان کرمان. اولین کنفرانس بین‌المللی حسابداری مدیریت و نوآوری در کسب و کار.